

سبک ادبی مدرن محمدبن مویلی در حدیث عیسی بن هشام

کتایون فلاحی^۱

زهرا مهاجر نوعی^۲

چکیده

محمدبن مویلی (۱۳۲۳ق=۱۹۰۶م) از نویسندگان توانای قرن نوزدهم میلادی است. این ادیب مصلح، شاهکاری ادبی با عنوان حدیث عیسی بن هشام از خویشتن به یادگار گذاشت. این اثر ادبی آینه تمام نمای برخی واقعیت های جامعه مصر در قرن نوزدهم میلادی است و مویلی مانند یک جامعه شناس با شناخت دقیقی که از جامعه خود داشت با سبک داستانی مدرن آن را ترسیم کرد. محتوای این داستان بیانگر اندیشه های آزادی خواهانه مویلی به شیوه ای واقع گرایانه می باشد. سبک مویلی در این اثر ادبی از نظر شکل داستانی و به کارگیری واژگان ساده، جدید و نو می باشد. از نتایج مقاله حاضر می توان به این موارد اشاره کرد: مویلی با درک درستی که از شرایط اجتماعی و سیاسی مصر در قرن نوزدهم میلادی داشت، تلاش کرد فن داستان نویسی را هنرمندانه برای تعبیر اندیشه ها و احساسات عامه پسند در این اثر هنری به کار گیرد. هر چند فن داستان نویسی وی به پختگی داستان های اروپایی نیست اما در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نورزید و تلاش کرد تمامی عناصر داستانش نزدیک به داستان های اروپایی باشد. وجود حکایت های طنز آمیز تلخ اجتماعی که بیانگر تضاد طبقاتی و آشفتنگی در جامعه مصر است و توجه به درون مایه علمی متناسب با دانش روز از دیگر نکات قابل ذکر در این اثر ادبی می باشد.

کلید واژه ها: محمدبن مویلی، حدیث عیسی بن هشام، مقامه، ادبیات داستانی، سبک ادبی مدرن.

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار (نویسنده مسئول). ktu.fallahi@yahoo.com

۲- مدرس آموزش و پرورش. z.mohager@cfu.ac.ir

۱- مقدمه

لشکرکشی ناپلئون به مصر نقش به‌سزایی در انتقال دانش، ادبیات و صنعت اروپایی‌ها به سرزمین‌های عربی به خصوص مصر داشت. مویلی‌چی نیز با ادبیات معاصر اروپا، مکتب‌های ادبی، فن داستان‌نویسی پیش‌کسوتانی همچون شاتوبریان (۱۲۶۴-۱۸۴۱ ق= ۱۷۶۸-۱۸۴۸ م) و ویکتور هوگو (۱۱۴۴-۱۲۲۷ ق= ۱۸۰۲-۱۸۸۵ م)، اونوره دوبالزاک (۱۱۴۱-۱۱۹۲ ق= ۱۷۹۹-۱۸۵۰ م) و دیگران از این طریق آشنا گردید و به تدریج از نویسندگان اروپایی‌تأثیر پذیرفت. اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم داستان به آن شکل که در اروپا وجود داشت در ادبیات مصر نبود. تا آن زمان داستان‌ها در قالب مقامه‌ها و یا داستان‌های عامیانه‌ای بود که به تقلید از داستان‌های اروپایی شکل گرفته بود و با زندگی شرقی‌ها سازگاری نداشت تا اینکه مویلی‌چی با خلق حدیث عیسی بن هشام آغازی نو را در ادبیات داستانی رقم زد. شاید بتوان از حدیث عیسی بن هشام به عنوان ماندگارترین نوشته مویلی‌چی در جهان عرب نام برد که به پیروی از ادبیات داستانی اروپا به سبک مقامه‌نویسی آشکار گردید، در این اثر ادبی، مویلی‌چی وقایع و حقیقت‌های جامعه مصر را به نیکی روایت کرده است. با این اوصاف نویسندگان مقاله پیش‌رو، از آنجا که حدیث عیسی بن هشام به عنوان یک شاهکار ادبی تصویری صادقانه و گویا از جامعه مصر در قرن نوزدهم ارائه داده است آن را موضوع پژوهش خود برگزیدند. آنچه بیش از همه در این مقاله حائز اهمیت است همان سبک مدرن مویلی‌چی است. شیوه جدید وی در دو طیف مورد بررسی قرار گرفته است: نخست شکل، سپس محتوا. سبک نگارشی نویسنده در حدیث عیسی بن هشام، داستان‌نویسی با به‌کارگیری واژگان سهل و متین است؛ هر چند وی به پیروی از پیش‌قراولان مقامه‌نویسی همچون حریری (۴۴۶-۵۱۶ ق= ۷۰۲-۷۷۲ م) و همدانی (۳۵۸-۳۹۸ ق= ۶۱۴-۶۵۴ م) گاه اثر خویش را در به‌کارگیری آرایه‌های متکلفانه بدیعی همچون سجع و تضمین بی‌بهره نگذاشته است. بیان اندیشه‌های آزادی‌خواهانه و مردمی با سبک رئال حکایت از نوآوری مویلی‌چی در متن حدیث عیسی بن هشام دارد که علی‌رغم مقامه‌های پیشین، دیگر به محتوای گدایی و کدیه محدود نگردید.

۲- شیوه پژوهش

اسلوب کار در این مقاله روش توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش، نخست درباره سبک مدرن مویلی در این اثر ادبی مطالبی ذکر شده است. در بخش دوم سبک مدرن مویلی از دو جنبه مورد بررسی قرار گرفته است: ۱. شکل ۲. محتوا. منظور از شکل، فرم جدید داستان نویسی و به کارگیری واژگان آسان است و در قسمت تحلیل محتوا نیز به بیان اندیشه های مردمی و واقعیت های جامعه اشاره شده است. در این پژوهش می کوشیم که به پرسش اصلی زیر پاسخ دهیم:

در حدیث عیسی بن هشام اثر محمد بن مویلی، چه سبک ادبی خاص و متفاوتی در شکل و محتوای آن وجود دارد؟

۳- پیشینه پژوهش

درباره مویلی کتب و مقالات ارزشمندی به قلم ادیبان اهل فن و متخصص به رشته تحریر در آمده است. اما تاکنون مدرنیته و تازگی اسلوب نویسندگی مویلی در حدیث عیسی بن هشام در جایگاه پژوهش قرار نگرفته است. از این روی تازگی های شیوه نگارش وی در حدیث عیسی بن هشام مورد بررسی قرار گرفته است. و اما برخی از پژوهش هایی که در راستای این موضوع انجام شده است عبارتند از:

- حیدری، مهین؛ حسین جانزاده، فریبرز؛ شایگان مهر، محمد، "مقایسه مقامات حمیدی ادیب قرن ششم هجری با مقامات همدانی و حریری"، فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، سال دوازدهم، ش ۴۷، پاییز ۱۳۹۷، صص ۳۳۷-۳۶۱.

- لطفی، محمدرضا؛ خسروی و امکانی، زهرا، صابری، علی، "بررسی تطبیقی جایگاه مضامین اجتماعی در مقامات بدیع الزمان همدانی و حدیث عیسی بن هشام محمد بن مویلی" فصلنامه ادبیات تطبیقی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، دوره ۱۶، ش ۶۱، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۶۸-۱۸۹.

معرفی محمد بن مویلی و اثرش "حدیث عیسی بن هشام"

محمد بن مویلی رونامه نگار و داستان نویس مصری از پیشگامان سنت قصه پردازی در عربی مدرن است. او در قاهره درس خواند و در سال ۱۸۸۲م در مصر به علت توزیع اوراق سیاسی ممنوع القلم شد.

انتقاداتش از اشغالگری انگلیس و بیان پوچی زندگی روزمره مردم و تلاش وی و پدرش در بازشناسی مقامات بدیع الزمان همدانی و استفاده از شیوه نثری بسیار متکلف در شهرتش موثر بود. انتقاد گزنده اش که آمیخته با نثری نئوکلاسیک بود پلی است میان انواع ادبی روایی عصر کلاسیک و پیدایی داستان نویسی مدرن عربی.

و اما اثر ادبی مشهور وی "حدیث عیسی بن هشام" که در سال ۱۹۰۷م به صورت کتاب درآمد از این قرار است: عیسی بن هشام راوی داستان مویلحی در شبی مهتابی که در مقبره‌ها به تفکر درباره مرگ و زندگی پرداخته است ناگهان می بیند یکی از مردگان از گورش بیرون می آید و خودش را احمدپاشا منکیلی، یکی از مبارزان و جهادگران دوره محمدعلی پاشا معرفی می کند که در سال ۱۸۵۰ در گذشته است. راوی با احمدپاشا دوست می شود و او را با خود به قاهره می برد و او متوجه می شود که اوضاع مصر عوض شده و زندگی مردم آمیزه ای از ظواهر سنتی گذشته و صورت جدید غربی گشته است. در حالی که جامعه مملو از عیوب اخلاقی و اجتماعی شده است. مویلحی در این داستان همه جوانب زندگی و جامعه مصریان آن روزگار را از پلیس ها و مردم عادی به تصویر کشیده و مورد انتقاد قرار داده است. (لطفی، ۱۴۰۱: ص ۱۸۰)

۴- سبک مدرن مویلحی در حدیث عیسی بن هشام

در حدیث عیسی بن هشام مدرنیته‌های مویلحی از دو سوی مورد بررسی قرار می گیرد:
۱. شکل ۲. محتوا. شکل مدرن مویلحی، به کارگیری سبک داستانی با گرایش نو و سادگی الفاظ است.

درون مایه‌های تازه نیز ریشه در اندیشه‌های مویلحی دارد که اینک هر یک به تفکیک شکل و محتوا مورد بررسی قرار می گیرد.

۴-۱- شکل

۴-۱-۱ - سبک داستانی حدیث عیسی بن هشام

مقامه به طور کلی از انواع داستان های کهن می باشد که با نثر مصنوع آمیخته با شعر در مورد یک قهرمان است که به صورت ناشناس در داستان ظاهر می شود و حوادثی را به وجود می آورد و همین که در پایان داستان شناخته می شود، ناپدید می گردد تا آن که دوباره در هیبتی دیگر، در مقامه بعدی

سبک ادبی مدرن محمد بن موصلی در حدیث عیسی بن هشام ۱۵۷/۱۱۱

آشکار گردد؛ از این روی می توان مقامات را مجموعه‌ای از داستان های مجزا دانست که دارای وحدت موضوع می باشد (دادخواه، ۱۳۸۶ش: ۲۳۸/۵۴؛ ضیف، ۱۹۵۶ م: ۱۱۰-۱۲۸).

داستان های مقامات از جنبه هنر داستان نویسی شکل قصه فنی را دارا نیست که نویسنده شخصیت های مختلفی خلق نماید و حوادث متعدد هماهنگ و هم سویی بیافریند و هماهنگی بین وقایع به گونه ای باشد که مجموع آن به یک غرض معین ختم گردد. حال آن که در حدیث عیسی بن هشام، موصلی شخصیت های متفاوتی اعم از وکیل، قاضی، باربر، می فروش، نویسنده، دربان، پلیس، فروشنده و مانند آن را آفریده که پاشا (فرد مُرده) شخصیت اصلی داستان او می باشد و با بازگشت به زندگی امروزی با شخصیت های متفاوت در جامعه، ارتباطی هم سو برقرار نموده است. تلاش موصلی بر آن بود که تکنیک های داستان نویسی از حیث پیرنگ، مقدمه چینی، پیش آگاهی، کنش صعودی و نزولی، نتیجه، کشمکش، شخصیت و ترتیب زمانی را در حدیث عیسی بن هشام به کار گیرد. هر چند سبک داستانی وی فرسنگ ها با الگوهای اروپایی فاصله داشت؛ اما شیوه به کارگیری داستان نویسی خود نیز در این مقامه، نو بود (آژند، ۱۳۷۱ش: ۹۱/۳۶-۳۷؛ حواس، ۱۹۸۱ م: ۲/۲۳۱-۲۳۷).

برای نمونه، مقدمه چینی و پیش آگاهی موصلی در این مقامه بدین گونه است:

«حدَّثنا عیسی بن هشام - قال رأیت فی المنام. کأنی فی صحراء «الامام» أمشی بین القبور و الرجام. فی لیلة زهراء قمراء. یستر بیاضها نجوم الخضراء... و کنت أحدث نفسی بین تلك القبور... فرأیت قبراً إنشَقَّ من بین تلك القبور. و قد خرج منه رجل طویل القامة (موصلی، ۱۳۹۰، ص ۷ و ۱۰).

- عیسی بن هشام نقل می کند- در خواب دیدم گویی در صحرائی به نام "الأنام" میان قبرها و سنگ ها قدم می زدم. در یک شب مهتابی و نورانی، سپیدی شب نورانی، آن ستارگان آسمان نیلگون را می- پوشاند. با خود در میان آن قبرها صحبت می کردم، ناگاه قبری را دیدم که از میان قبرها شکافت، و مردی بلند قامت از آن خارج شد.

در این اثر، پیش از آنکه گفت و گوی میان موصلی و پاشا آغاز شود، راوی (موصلی) با مقدمه چینی موقعیت داستانی اولیه را خلق کرد و کم کم با بیرون آمدن پاشا از قبر شخصیت ها معرفی می- شوند.

در ادامه پاشا با پرسش از عیسی بن هشام درباره نام، حرفه او و دیگر چیزها نکات ظریفی را آشکار کرد که تا حدودی مخاطب می تواند با کمک این نکات آنچه را که قرار است بعدها در این مقامه اتفاق بیفتد، پیش بینی کند: (بهیج، ۱۹۷۶ م: ۱۱۷/۲۴-۲۷).

الدفین: ما اسمک أیها الرجل و ما عملک و ما الذی جاء بک، فقلتُ فی نفسی حقاً إن الرجل لقرب العهد بسؤال الملکین.... (حدیمویلحی، ۱۳۹۰، ص ۱۰ و ۱۱).

- شخص مُرده: ای مرد اسمت چیست؟ کسب و کارت چیست؟ چه چیزی تورا آورده؟ به حق باخود گفتم که این مرد هم زمان با خواسته آن دو پادشاه است....

از دیگر سوی پیرنگ یا خط داستانی مویلحی در حدیث عیسی بن هشام مجموعه ای از کنش ها، واکنش ها میان قهرمان مقامه او (پاشا) با راوی و دیگر شخصیت های آن است. آن گاه که پاشا (فرد مرده) در درگیری با قاطرچی به اداره شهربانی می رود و منجر به زندانی شدن او می گردد، قهرمان با جدی ترین چالش مواجه گردیده است که همان کنش صعودی می باشد.

مصر فعال ترین کشور عربی در زمینه داستان نویسی نو است. داستان نویسی مصر تا مدت ها بر الگوهای قراردادی و کهن تکیه داشت اما با درک ضرورت های زمان، به تدریج خود را از قید و بندهایی چنین آزاد کرد. در این میان مویلحی هم به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه خویش، فن داستان نویسی را ابزاری هنرمندانه برای بیان اندیشه های آزادی خواهانه در حدیث عیسی بن هشام به کار گرفت. در حقیقت سبک داستانی عیسی بن هشام تصویر محیط و مکان های جامعه مصر در قرن نوزدهم است؛ شخصیت های آن اعم از قهرمان، ضد قهرمان، ایستا، پویا، متضاد، مکمل و فرعی نمونه های عینی انسان های فقیر، وامانده، بیکار و گاه سیاستمداران و مقام های عالی رتبه جامعه بودند. مویلحی گاه در شخصیت پردازی ها از شیوه روایتی و توصیفی بهره گرفت اما در راستای آفرینش کنش ها بیشتر اوقات اجازه می دهد تا شخصیت های داستانش شخصاً وارد صحنه شوند و با حوادث متفاوت رو به رو گردند. همین امر موجب گردید تا حدیث عیسی بن هشام از شکل افسانه های کهن و شرح دادن به وسیله راوی، فاصله بگیرد و به داستان های کوتاه و یا بلند امروزی نزدیک شود (ضیف، بی تا: ۳۰-۴۸؛ زیدان، ۲۰۱۱ م: ۴/۲۱۰-۲۲۰).

۲-۱-۴- شکل سهل و متین واژگان

بیشتر نویسندگان متقدم و اغلب پژوهشگران معاصر در ادب عربی بر این عقیده اند که هدف اساسی انشاء مقامات هدف تعلیمی است و تکلف در پرداخت عبارات، دشواری سخن، نمایش اقتدار لغوی و کاربردهای مختلف زبانی، غایت این فن می باشد. غلبه لفظ بر معنی و توجه بیش از حد به لغات، ترکیبات غریب و گرفتار آمدن نویسنده در دام تکلف و آرایش سخن سبب شده است برخی مقامه ها بر هیچ حادثه و حتی حيله ای از جانب قهرمان مبتنی نباشد و از قالب داستان خارج گردد. حال موئلی در حدیث عیسی بن هشام انصاری قصد دارد تا مسائلی را پیرامون فرد و جامعه عصر خویش مطرح کند و موضع گیری های خود را نسبت به این مسائل به خواننده منتقل نماید. وی برای انتقال این اندیشه ها و بیان جهت گیری های خود، زبان ویژه ای را برگزید که همان زبان مردمی و ساده ای است که به گویش توده مردم نزدیک می باشد. در گفت و گوی میان موئلی و پاشا (فرد مُرده) اسلوب سهل و متین در میان واژگان جاری است: (عفیفی، ۱۹۸۲ م: ۳۶/۲۵۷-۳۹؛ ابراهیم، ۱۳۶۲ ش، ۱۴۹/۵۰۳-۱۵۱).

قال عیسی بن هشام: وما وصلنا البیت حتی عمد الباشا إلى غرفة نومه. یحاول أن یشتفی بالرقاد من غمه و همّه. فترکته فی غرفته (موئلی، ۱۳۹۰، ۴۴۳).

به کارگیری واژگان آسان و مردمی بدین معنا نیست که موئلی بر زبان تسلط ندارد بلکه وی به خوبی می داند که داستان نویسی فعالیت زبانی است و ضروری ترین شرط موفقیت در آن تسلط نویسنده به زبان است. به گونه ای که بیشترین واژه ها را در حافظه اندوخته باشد و بر توان و ظرفیت معنایی واژگان، ظرافت و سختی، سادگی و پیچیدگی آن ها آگاه باشد. افزون بر این بتواند اندیشه های آزادی خواهانه خویش را به وسیله همین زبان ساده و گویا تعبیر نماید.

نمی توان گفت حدیث عیسی بن هشام انصاری تهی از شعر، آرایه های متکلفانه بدیعی و تصویرهای خیال برانگیز است؛ زیرا موئلی همچون یک جامعه شناس در پی ترسیم پیچیدگی ها، مشکلات و تنگناهای اجتماعی است. به همین جهت انتقادهای اجتماعی و گاه سیاسی او که بیشتر به شیوه ای واقع گرا و یا کنایه ای با پوششی آهنگین متجلی می گردد، این فرصت را برای خواننده فراهم می سازد تا خود بدون دخالت دیگران به تجزیه و تحلیل ناهنجاری های اجتماعی پردازد و نتیجه ای را به دست

۱۶۰ // دو فصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

آورد که حاصل تأمل و انتخاب خود اوست. برای نمونه مویلحی فساد موجود در جامعه را بدین گونه با اسلوبی آهنگین تصویر سازی کرد: (بهی، ۱۹۸۶ م: ۱۲۳/۴-۱۳۷)

وإن هذه شيممة الدهر قلما يتم فيه صفاء أو يكمل فيه سرور و ما من لذة إلا و هي مشوية بالألم:

فسد الزمان فما لذيد خالص مما يشوب و لا سرور كامل

(مویلحی، ۱۳۹۰، ص ۴۱۵)

- و این خصلت روزگارست و به ندرت صمیمیت و شادی و لذت در آن به اتمام و اکمال رسد مگر آنکه همراه با درد و زجر باشد.

روزگار پست و فاسد است چرا که در آن لذت و خوشی کامل نگردد مگر آن که با ناخوشی مخدوش گردد.

چنین ویژگی را می توان دلیلی بر سبک خوب مویلحی دانست؛ زیرا مخاطب را در تماس بی واسطه با موضوع قرار می دهد. گرچه اسلوب مویلحی در این مقامه ترکیبی از شیوه ساده و آهنگین است؛ اما وی به خوبی توانسته شرایط اجتماعی و سیاسی مصر را در قرن نوزدهم به نمایش گذارد.

۵- محتوا

۵-۱- اندیشه های مردمی و آزادی خواهانه

نکته قابل تأمل در حدیث عیسی بن هشام این است که موضوع اصلی داستان، مشکلات اجتماعی و سیاسی همچون نفاق، دروغ، ظلم ستیزی، دفاع از حق مظلومان در برابر قضاوت ناعادلانه، تحصیل دانش در دانشگاه های اروپا و مانند آن است. این امر نشان می دهد که پس از خروج سپاهیان ناپلئون بنا پارت از مصر، سرزمین مصر نه تنها از سیطره فرانسوی ها آزاد گردید بلکه از حاکمیت خلیفه های عثمانی نیز بر خود رهایی یافت و والیان مصری حاکمیت مصر را به دست گرفتند. در این میان والیان مصری مانند محمدعلی پاشا به دلیل ارتباط با اروپا از پیشرفت های آنان در تمامی زمینه ها همچون دانش و تکنولوژی، صنعت، مسائل نظامی و مواردی از این دست آگاهی یافتند، از اینرو وی جوانان سرزمین خویش را برای کسب علم رهسپار اروپا کرد. اما نکته در خور اهمیت این است که هیچ یک از پیشرفت های اروپایی با سرزمین مصر انطباق نداشت و به تدریج سبب ایجاد نواقصی در جامعه مصر گردید و حتی افزون بر طبقه اشراف در مصر نیز طبقه متوسط با اندیشه هایی نواز راه رسیدند. به همین دلیل ادیب مصلح، مویلحی با اندیشه ای مردمی و آزادی خواهانه در این داستان شخصیت هایی

سبک ادبی مدرن محمد بن مویلی در حدیث عیسی بن هشام ۱۶۱۱۱۱

همچون قاضی، وکیل، پلیس و... را که ره آورد کشورهای اروپایی در مصر، بود- و در بالا بیان گردید- را مورد نقد قرارداد. (بهی، ۱۹۸۶ م، ۱۲۳/۴-۱۲۴؛ برونل، ۱۳۸۸ ش: ص ۱۱۴-۱۳۸)

هدف مویلی از بیان این اندیشه ها آن بود که صاحبان منصب های دولتی را به کم و کاستی های موجود در برخی حرفه ها که جایگاه مهمی در جامعه داشتند، آگاه کند از جمله می توان به بیان فساد موجود در میان طبقه و کلا اشاره کرد:

۶-۲- واقع گرایی

بخش بیشتر حدیث عیسی بن هشام به نثر نوشته شده است؛ زیرا هدف مویلی بیان اندیشه و دیدگاه خویش از زبان شخصیت هایش است، بیان مویلی رمانتیکی و کاملاً احساساتی و شخصی نیست تا تمام اثرش منظوم باشد مگر در مواردی که بخواهد خواننده را تحت تاثیر احساس خویش در رابطه با مشکلات اجتماعی و سیاسی قرار دهد. در چنین مواردی نیز به کارگیری وی از شعر در خدمت کنش و پیش برد طرح یا پیرنگ داستان است. به گونه ای که اگر شعر را از داستان برداریم، روند داستان مختل می شود. مویلی از زبان پاشا با شیوه ای واقع گرا فساد موجود در جامعه را بیان کرده آنگاه با به کارگیری شعر در سبک رئال در جهت کنش و واکنش های داستان قرار گرفته است:

الباشا: تالله لقد فسد الحال و إنحلّ النّظام و کیف یعیش الناس...

قد نسخ الشرع فی زمانهم فلیتهم مثل شرعهم نسخوا

(مویلی، ۱۳۹۰، ۴۳)

- پاشا: به خدا سوگند زمانه فاسد شد و حاکمیت منحل گردید. پس چگونه مردم زندگی می کنند؟ به تحقیق شریعت در روزگار آنان بی اعتبار گردید پس ای کاش مثل دینشان نسخه برداری کنند.

سبک مویلی در حدیث عیسی بن هشام نمایانگر درون و شخصیت وی می باشد. ادموند ویلسون منتقد و نویسنده آمریکایی می گوید: «عناصر حقیقی هر اثر داستانی، عناصر شخصیت نویسنده است. اندیشه او در چهره شخصیت ها، موقعیت ها و صحنه های داستانی، تعارض های سرشت خود و یا چرخه مرحله هایی را که سرشت او از روی عادت طی می کند، نمایش داده می شود. شخصیت های داستان انسان انگاری های احساسات و امیال متفاوت نویسنده اند.» (دادخواه، ۱۳۸۶: ۵۴/۲۴۷-۲۴۸؛ دسوقی، بی تا: ۲/۲۸۲-۲۸۵).

۱۶۲ // دوفصلنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

بنابراین می توان گفت، مویلیحی به درونمایه های مردمی دلپستگی دارد. بیان کردن این موضوعات به شیوه ای واقع گرا نشان دهنده علاقه وی به این مضامین است تا بتواند رسالت ادبی خویشتن را از طریق حدیث عیسی بن هشام به سرانجام برساند.

۳-۶- درون مایه علمی متناسب با دانش روز دنیا

مویلیحی در ضمن داستانش به صورت غیرمستقیم اشاره ای به مسائل علمی و ادبی دارد. آنجا که قهرمان داستانش "پاشا" برای رهایی از غم و اندوه و مشکلات روحی، تصمیم می گیرد به ییلاق برود و در ضمن اقامتش در آنجا در حلقه ی یک حکیم حاضر می شود و از رهنمودهای او بهره می گیرد. او ضمن بیان این بخش از قصه، نظرات حکیمانهای از زبان حکیم فرزانه داستانش بیان می کند (مویلیحی، ۱۹۳۰: ص ۱۹۱-۱۹۸). سپس عیسی بن هشام، پاشا را به جلسه ی گفتگوی ادبا می برد و آنچنان که عیسی بن هشام نقل می کند در آنجا از لطایف علوم و داستان های شنیدنی بهره مند می شوند به طوری که باعث اندوه و حسرت پاشا می شود چرا که عمرش را گرفتار سرگرمی های روزگار بوده و او را از علوم و فوائد ادب و مطالعه ی کتب و همنشینی با علماء و شب نشینی با فضلاء و تبادل نظر با ادبا باز داشته است (همان، ۱۹۹-۲۰۱).

۴-۶- طنز کلاسیک باشیوهی مدرنیته

در ارتباط با طرح مسائل اجتماعی در قالب شوخی و طنز در مقامات مویلیحی باید گفت که در جای جای داستان مویلیحی حکایت های طنزآمیز اجتماعی دیده می شود که بیانگر تضاد طبقاتی و فاصله ی اجتماعی در جامعه ی مصر در دوره معاصر است که با سیطره و نفوذ غرب، دو چندان شده بود. گویی مویلیحی با نگارش داستانش نه تنها در شیوه ی نگارش و شکل ظاهری آن از بدیع الزمان پیروی کرده است بلکه در موضوع آن با پیروی از وی در پی انتقاد از شرایط حاکم بوده است. او با اطلاع از اوضاع جامعه ی مصر و نیز با آگاهی و دانش نسبت به زندگی و فرهنگ غرب که در طی اقامتش در آنجا به دست آورده بود، اقدام به نگارش کتابش می کند و در آن، جامعه ی مصر پس از اشغال، و نیز آمیختگی، آشفتگی، دوگانگی و بلاتکلیفی پس از آن را در بین طبقات جامعه ی مصر به تصویر می کشد و به تعبیر دکتر غنیمی هلال، در پی بررسی و انتقاد از جامعه ای است که بر دروازه های دوره ی

سبک ادبی مدرن محمد بن مویلی در حدیث عیسی بن هشام ۱۶۳۱۱۱

جدید قرار گرفته و ارزشهای سنتی آن با مفاهیم نوخاسته‌ی اجتماعی درگیر شده است (غنیمی هلال، ۱۳۹۰: ۳۲۸).

از جمله طنزهای گاه تلخ اجتماعی می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

ماجرای برخورد پاشا و عیسی بن هشام در مسیرشان با یک قاطرچی که با رندی می‌خواهد پاشا را سوار کند اما پاشا نمی‌پذیرد که مشاجره و درگیری آنان با هم منجر به دخالت پلیس و بازداشت پاشا می‌شود.

المکاری للباشا: إرکب یا أفندی فقد عطلتنی و أنا أسیر وراءك من الصباح.
الباشا للمکاری: کیف تدعونی أیها الشقی الی رکوب الحمار و مارغبت فیہ أبدأ و ما دعوتک فی طریق و کیف لمثلی أن یرکب الحمار الناهق مکان الجواد السابق..... (مویلی، ۱۹۳۰: ۱۵-۱۷).

- قاطرچی به پاشا گفت: آقا سوار شو، مرا معطل کردی و من از صبح به دنبال راه می‌روم.
پاشا به او گفت: ای بدبخت چگونه مرا به سوار شدن بر الاغ فرا می‌خوانی در حالیکه هرگز به انجام آن مایل نیستم و تو را به مسیر خویش دعوت نکردم و چگونه کسی همانند من سوار الاغی پر سروصدا به جای اسبی تندرو می‌شود؟!...

و نیز داستان حضور عیسی بن هشام و پاشا در اداره‌ی ثبت و کلافه شدن او از سرگردانی مردم و پاسخ بد دادن به ارباب رجوع و درخواست پول از آنان جهت حل و فصل کارشان، یکی دیگر از نمونه‌های طنز تلخ اجتماعی ذکر شده در این اثر است (همان، ۴۲-۴۳).

۷- نتایج مقاله

از آن چه در این نوشتار ذکر شد نتایج زیر به دست می آید:

۱. مویلحی فن داستان نویسی را به شیوه ادبیات داستانی اروپا در مسیر ادای رسالت ادبی خویشتن به کار گرفت، با این تفاوت که سبک داستانی وی در فرم مقامه آشکار گردید.
۲. سبک داستانی مویلحی متفاوت از مقامات است؛ بدین صورت که مویلحی در حدیث عیسی بن هشام، شرایط حاکم بر جامعه مصر را در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم روایت می کند. روایت شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه با نگرش ظلم ستیزی و سبکی واقع گرا حکایت از درون مایه ای نو در این مقامه دارد.
۳. گاه پیروی از سبک مقامه نویسان بزرگ پیشین مانند به کارگیری آرایه های بدیعی در این اثر ادبی به چشم می آید.
۴. به کارگیری واژگان سهل و ساده در این اثر ادبی یکی دیگر از نکات جدید در قالب این نوع از نگارش ادبی می باشد.

سبک ادبی مدرن محمد بن مویلی در حدیث عیسی بن هشام ۱۶۵

کتابشناسی

- آژند، یعقوب. (۱۳۷۱ش). **ادبیات داستانی جدید در ادبیات عرب**، تهران: مجله میان رشته‌ای کیهان فرهنگی، ۹۱ آذرماه.
- ابراهیم، احمد ابوبکر. (۱۳۶۲ش). **حرکه الاصلاح و حدیث عیسی بن هشام**، دارالمعارف مصر: مجلات مجموعه علوم انسانی (الرساله)، شماره ۱۷/۵۰ صفر.
- برونل، پیر و دیگران. (۱۳۸۸ش). **تاریخ ادبیات فرانسه در قرن نوزدهم**، ترجمه افضل وثوقی، تهران: انتشارات صحت، چاپ اول.
- بهی، عصام. (۱۹۸۶م). «**حدیث عیسی بن هشام**»، **مجتمع متغیر و ثقافه متغیره**، مجلات مجموعه علوم انسانی، (فصول)، شماره ۴ یولیه، أغسطس و سبتمبر.
- بهیج، علی غریب. (۱۹۷۶م). **شخصیات عربیه: محمد المویلی**، مجلات مجموعه علوم انسانی (الجدید)، شماره ۱۱۷، ۱۵ نوامبر.
- حواس، عبدالحمید. (۱۹۸۱م). **البنیه القصیه و مدلولها الاجتماعی فی حدیث عیسی بن هشام**، مجلات مجموعه علوم انسانی (فصول) شماره ۲ ینایر.
- دادخواه، حسن و دیگران. (۱۳۸۶ش). **بررسی تطبیقی سبک ادبی در مقامات حریری و حمیدی**، تهران (دانشگاه شهید بهشتی): مجله شناخت، شماره ۵۴ تابستان.
- دسوقی، عمر. (بی تا). **فی الأدب الحدیث**، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- زیدان، جرجی. (۲۰۱۱م). **تاریخ الاداب اللغه العربیه**، بیروت: دارالفکر، طبعه جدیده مصححه منقحه.
- ضیف، شوقی. (بی تا). **الادب العربی المعاصر فی مصر**، القاهره: دارالمعارف، نسخه اصلی.
- همو. (۱۹۵۶م). **الفن و مذاهبه فی النثر العربی**، چاپ دوازدهم، بیروت: مکتبه الدراسات الادبیه.
- عفیفی، مجدی. (۱۹۸۲م). **نقدالمجتمع فی حدیث عیسی بن هشام**، مجلات مجموعه علوم انسانی (الجدید)، شماره ۲۵۷، ۱۵ سپتامبر.
- غنیمی هلال، محمد. (۱۳۹۰). **الأدب المقارن**، ترجمه و تعلیق مرتضی آیت الله زاده شیرازی، امیرکبیر، تهران.
- لطفی، محمدرضا؛ خسروی وامکانی، زهرا؛ صابری، علی. (۱۴۰۱). "بررسی تطبیقی مضامین اجتماعی در مقامات بدیع الزمان همدانی و حدیث عیسی بن هشام محمد بن مویلی" فصلنامه علمی ادبیات تطبیقی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، دوره ۱۶، ش ۶۱، صص ۱۶۸-۱۸۹.

۱۱۱۶۶ // دوهضمنامه مطالعات نقد ادبی / سال هفدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱ شماره پنجاه و سوم

میرصادقی، جمال. (۱۳۹۱ش). ادبیات داستانی، چاپ دوم، تهران، سخن.

مویلیجی، محمد. (۱۹۳۰م). حدیث عیسی بن هشام، مصر، مطبعة الهلال.